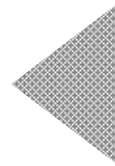


تأثیر توزیع مجدد نسبی بر رشد اقتصادی



محدثه رحیمی^۱

مرضیه اسفندیاری^۲

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ - تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۶/۴)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

توزیع عادلانه درآمد از مهم ترین اهداف کلان اقتصادی کشورها محسوب می شود، نظریه پردازان اقتصادی در رابطه با تأثیر نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی دو دیدگاه متفاوت را ارائه می دهند، و مطالعات بسیاری در این رابطه صورت گرفته است که در برخی از مطالعات نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد و در برخی دیگر اثر منفی می گذارد. در اکثر مطالعات موقعیت جامعه از منظر نابرابری درآمدی با محاسبه ضریب جینی مشخص می شود. ضریب جینی بر مبنای درآمد قبل از کسر مالیات و پرداخت اجباری است. از آنجا که مالیات ها به عنوان ابزاری برای بهبود وضعیت توزیع درآمد می باشند محاسبه ضریب جینی بر اساس درآمد پس از پرداخت های اجباری و مالیات ها می تواند امکان دسترسی به تصویر دقیق تری از توزیع درآمد جامعه و پیامدهای آن ایجاد کند. با توجه به تأثیر توزیع مجدد درآمد بر نابرابری درآمد، مطالعه حاضر به بررسی تأثیر توزیع مجدد نسبی بر رشد اقتصادی با بهره گیری از داده های اقتصاد ایران

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران

۲- دکتری، دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول)

در فاصله ی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ و با استفاده از تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) می پردازد. نتایج حاصل از مطالعه نشان می دهد که توزیع مجدد نسبی تاثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی در فاصله ی سال های مورد بررسی دارد. بر اساس یافته های مطالعه با استفاده از شاخص توزیع مجدد نسبی، رابطه ی غیر مستقیم رشد اقتصادی و نابرابری تایید می شود. نتایج این مطالعه نشان می دهد که مالیات ها و پرداخت های انتقالی به عنوان ابزارهای توزیع درآمد محرک رشد اقتصادی است. در حالی که بر اساس ضریب جینی متعارف، نابرابری درآمد منجر به افزایش رشد اقتصادی می شود. بنابراین ارائه سنجش مناسبی از نابرابری درآمدی به درک صحیح تر و تدوین سیاست های کارآمد در جهت برابری درآمد منتج می شود.

کلید واژه: توزیع مجدد نسبی، تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته، رشد اقتصادی، نابرابری، ضریب جینی

(۱)-مقدمه

توزیع عادلانه درآمدها در کنار تحقق رشد و توسعه اقتصادی از اهداف مهم دولت ها در حوزه اقتصاد کلان است که پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیادی به همراه دارد. دولت ها برای دستیابی به توزیع عادلانه و رفع نابرابری درآمدی، از ابزارهایی مانند مالیات ها و پرداختهای انتقالی و سایر سیاست های توزیع مجدد استفاده می کنند. بنابراین توزیع مجدد درآمدها بر رشد اقتصادی از طریق تعدیل درآمد ثروتمندان و افزایش درآمد فقرا تاثیر دارد. دولت ها، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، ارتباط بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی را مورد توجه داشته اند.

همچنین رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع مجدد از دیرباز مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی بوده است و سیاستگذار اقتصادی نمی تواند از برنامه ریزی برای دستیابی به اهداف مشخص برای این دو مولفه غافل بماند. ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع مجدد درآمد می تواند پاسخگوی یکی از پرسش های اساسی و بنیادین برنامه ریزان اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد (احمدوند ۱۳۹۶) و شاید بتوان گفت که ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود به بزرگترین هدف و دشوارترین وظیفه سیاستگذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می شود.

بررسی تاریخی اقتصاد نشان می دهد که در گذشته کشورها از طریق نابرابری درآمدی به رشد

اقتصادی دست یافته اند. ولیکن امروزه با توجه به افزایش سطح آگاهی و شکل گیری نهادهای اجتماعی و مدنی، برای دستیابی به رشد اقتصادی نمی توان توزیع درآمد را نادیده گرفت. توزیع مجدد نسبی^۱ ابزاری است که اطلاعات بهتر، جامع تر و دقیق تری را راجع به توزیع درآمد و نابرابری درآمد ارائه می دهد. توزیع مجدد نسبی از اختلاف شاخص جینی مبتنی بر درآمد بازاری و شاخص جینی مبتنی بر خالص درآمد تقسیم بر ضریب جینی مبتنی بر درآمد بازاری ضرب در ۱۰۰ حاصل می شود. اگر توزیع مجدد نسبی مثبت باشد بنابراین توزیع مجدد، نابرابری را کاهش دهد و اگر توزیع مجدد نسبی منفی باشد، توزیع مجدد نابرابری درآمدی را افزایش می دهد. با توجه به تأثیر سیاست توزیع درآمد بر افزایش درآمد طبقات پایین جامعه، افزایش پس انداز، رشد اقتصادی نیز تغییر می کند.

رینولدز-اسمولنسکی (۱۹۷۷) به کمی کردن توزیع مجدد درآمد حاصل از مالیات و انتقالات می پردازد. "توزیع مجدد" به عنوان کاهش نابرابری درآمد خانوار محسوب می شود. مالیات و انتقالات، نابرابری درآمدی را کاهش می دهند اگر منابع را از خانواده‌های پردرآمد به خانواده‌های کم‌درآمد منتقل کنند. جدول ۱ نحوه محاسبه شاخص توزیع مجدد درآمد را نشان می دهد: ستون سمت چپ مفاهیم درآمد خانوار و اجزای آن را نشان می دهد، در حالی که ستون‌های دوم و سوم حاوی معیارهای نابرابری مربوطه هستند که امکان استخراج یک معیار توزیع مجدد را در سطح کشور فراهم می کنند. نابرابری درآمدی برابر با ضریب جینی است. شاخص توزیع مجدد درآمد از طریق تفاوت بین ضریب جینی درآمد بازاری و ضریب جینی درآمد قابل تصرف خانوار تعریف می شود. مقدار توزیع مجدد درآمد به صورت مطلق و نسبی می تواند محاسبه و ارائه گردد.

جدول (۱) - نحوه محاسبه شاخص توزیع مجدد درآمد

اجزای درآمد خانوار	نابرابری درآمد و اثر توزیع مجدد	
	توصیف	شاخص
حقوق و دستمزد ناخالص + درآمد ناشی از سرمایه و مستغلات + مزایای بازنشستگی و سایر درآمدهای نقدی = درآمد بازاری خانوار	نابرابری درآمد قبل از مالیات و پرداخت های انتقالی	G^m
+ پرداخت های انتقالی - مالیات بر درآمد شخصی	اثر باز توزیعی مالیات و پرداخت انتقالی	$R^{relative} = \frac{G^m - G^d}{G^m} * 100$ (نابرابری نسبی درآمدی) $R^{absolute} = G^m - G^d$ (نابرابری مطلق درآمدی)
درآمد قابل تصرف خانوار	نابرابری درآمد بعد از پرداخت انتقالی و مالیات	G^d

منبع: ^۱ Causa and Hermansen (2017)

با توجه به اهمیت توزیع مجدد درآمدها در جامعه به عنوان ابزاری برای دستیابی به کاهش نابرابری درآمدی، در مطالعه حاضر تاثیر توزیع مجدد نسبی و ضریب جینی بر رشد اقتصادی مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد. برای این منظور در بخش بعد به طرح مساله پرداخته و سپس با اشاره به چارچوب نظری رشد اقتصادی در بخش دوم و مرور پیشینه تحقیق در بخش سوم، روش مطالعه، مدل و یافته های حاصل از برآورد مدل در بخش چهارم و پنجم ارائه می گردد. بخش ششم به نتیجه گیری می پردازد.

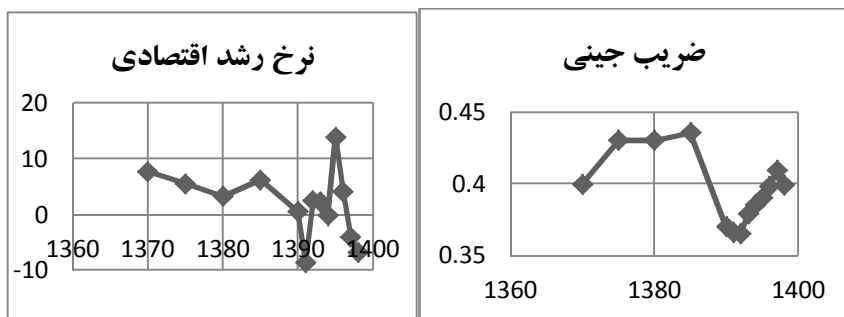
(۲) - طرح مسئله

تحقیقات اخیر آثار متفاوتی از نابرابری درآمدی بر رشد اقتصادی را برجسته کرده است. در مطالعات پیشین در مورد رابطه نابرابری-رشد اقتصادی، عموماً آثار توزیع مجدد نسبی و نابرابری مغفول مانده است. این امر نه تنها برای اندازه گیری اثرات مختلف مولفه های اقتصادی مناسب است، بلکه برای سیاست گذاری نیز ضروری است.

1- Causa and Hermansen (2017)

ضریب جینی شاخص معروف و رایجی برای اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد است. همانگونه که در نمودار ۱ می توان مشاهده کرد، در دهه هفتاد رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد معکوس بوده است. در در فاصله سال های ۷۰ تا ۷۵ روند رشد اقتصادی نزولی است و ضریب جینی در این فاصله در حال افزایش است. از سال ۷۵ اگرچه ضریب جینی تغییر چندانی نداشته است اما رشد اقتصادی به روند نزولی ادامه داده است. از دهه هشتاد رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد روند نسبتاً همسویی دارند به طوری که با افزایش رشد اقتصادی توزیع نابرابر شده و با کاهش رشد اقتصادی میزان نابرابری توزیع درآمد کاهش یافته است. که در نمودار ۱ بیان گردیده است.

نمودار(۱) - مقایسه روند ضریب جینی و نرخ رشد اقتصادی



کشور ایران از امکانات طبیعی بسیاری برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع برخوردار است. از طرفی تأمین عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از طریق ایجاد تعادل در توزیع درآمد بین آحاد مردم مورد تأکید قانون اساسی می‌باشد. بنابراین ضروری است که راهبردهای توسعه کشور بر مبنای رشد اقتصادی سریع و توزیع عادلانه درآمد پایه ریزی شود و برنامه ریزی و سیاست گذاری ها بر مبنای اهداف فوق صورت گیرد. (حیدری و همکار ۱۳۹۵)

در اقتصاد ایران موضوعات رشد اقتصادی از یکسو و دستیابی به توزیع بهینه درآمد و عدالت اقتصادی از سوی دیگر، همواره مورد توجه اقتصاددانان، سیاستگذاران اقتصاد کلان و نهادهای قانونی و اجرایی کشور بوده است. نحوه نگرش به موضوع عدالت در سالهای اخیر، چالشهای

زیادی را در کشور ایجاد کرده است. در مورد اثرات متقابل توزیع درآمد و رشد اقتصادی نظریات کاملاً متفاوتی در ادبیات اقتصادی وجود دارد (دهقانی و همکاران ۱۳۹۶). به رغم مطالعات بسیاری که در ارتباط با رشد و توزیع مجدد درآمد صورت گرفته است، همچنان ارتباط بین این دو متغیر مسئله ای سوال برانگیز و دارای ابهام است (مهرآبادی، ۱۳۹۵). از طرفی شاخص ضریب جینی همیشه نابرابری را براساس درآمد بازاری افراد محاسبه می کند در حالی که آنچه که مهم است درآمد پس از کسر مالیات (درآمد قابل تصرف) است که شاخص توزیع مجدد نسبی را ارائه می دهد به این ترتیب دو نوع شاخص نابرابری، قبل از مالیات و پرداخت های انتقالی (موسوم به "نابرابری بازار") و نابرابری پس از مالیات و پرداخت های انتقالی ("نابرابری خالص") را مقایسه نمود. با توجه به این که درآمد قابل تصرف مبنای تصمیم خانوارها برای مصرف و پس انداز است بنابراین کاربرد توزیع مجدد نسبی به ارائه تصویر دقیق تری در زمینه تاثیر نابرابری بر رشد اقتصادی کمک خواهد نمود. از این رو هدف از انجام مطالعه حاضر بررسی تاثیر توزیع مجدد نسبی بر رشد اقتصادی در ایران در فاصله زمانی ۹۶-۱۳۵۷ است.

(۳)- چارچوب نظری

طبق مطالعه بارو و سالایی مارتین (۲۰۰۳) از آنجا که عدم همگرایی، به وضعیت اولیه کشورها و همچنین عوامل تأثیرگذار بر وضعیت باثبات بستگی دارد. بنابراین اگر رشد سرانه یک کشور در زمان t را با Dyt نشان دهیم، خواهیم داشت:

$$DY_t = f(y_{t-1}, h_{t-1}, \dots) \quad (1)$$

به طوری که Y_{t-1} مقدار اولیه تولید ناخالص داخلی سرانه و h_{t-1} برداری از متغیرهایی در آغاز هر دوره است که وضعیت اولیه کشورها را نشان میدهد. رابطه فوق را میتوان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$y_{it} - y_{it-1} = \alpha y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

در این رابطه، Y_{it} تولید ناخالص داخلی سرانه کشور i در زمان t ، X_{it} برداری از متغیرهایی که از طریق تأثیرگذاری بر وضعیت باثبات بر رشد اقتصادی اثر دارند. نابرابری درآمدی یکی از عواملی است که می تواند از طریق تغییر وضعیت باثبات بر رشد اقتصادی تاثیر داشته باشد.

از دیدگاه بلند مدت، رشد اقتصادی در ابتدا منجر به نابرابری می‌شود، اما بعد از گذر از یک نقطه بحرانی، نابرابری درآمدی شروع به کاهش می‌کند. شاخص نابرابری درآمدی شاخصی برای تبیین توزیع درآمد در بین افراد است. در حوزه توزیع درآمد باید بین دو واژه توزیع درآمد و توزیع مجدد درآمد تفاوت قائل شد؛ زیرا در اولی توزیع درآمد بر اساس عوامل تولید یا سهم عوامل تولید است که به اقتصاددانان کلاسیک منتسب است. در اقتصاد کلاسیکی به دلیل وجود دست نامرئی که به تعادل اقتصادی و توزیع بهینه درآمدها منجر می‌شود، سخنی از توزیع مجدد درآمد به میان نمی‌آید. در این نظریه، اثرات نیروهای غیر بازار نادیده گرفته شده و به همین دلیل توزیع مجدد که مشروط به حضور دولت و سیاست‌های مالی دولت است، امری زائد به شمار می‌آید. اما در توزیع مجدد درآمدها نقش سیاست‌های مالی دولت به عنوان یک اهرم بسیار مناسب برای تعدیل توزیع اولیه درآمدها مورد توجه قرار گرفته و این امر، حتی در کشورهای سرمایه‌داری غرب در جاهایی که مکانیسم بازار قادر به حل این مسئله نیست، بر این عملکرد دولت تأکید می‌کنند. نابرابری درآمدی مشکلات زیادی را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آورد که در این مورد، سیاست‌های مالی، دولت‌ها را در جهت کاهش فاصله‌های طبقاتی و یکسان‌سازی توزیع درآمد کمک می‌کند. (مرجان دامن کشیده، ۱۳۹۵: ۶)

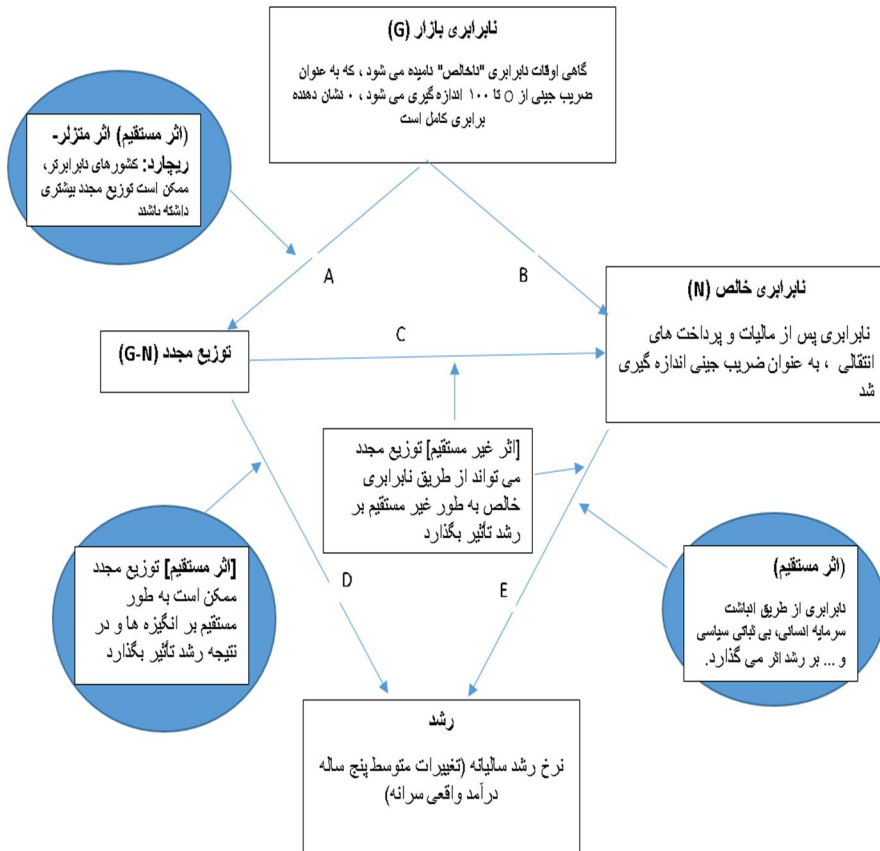
نمودار ۲ رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی را ارائه نموده است. نابرابری می‌تواند با ایجاد انگیزه برای نوآوری و کارآفرینی بر رشد تأثیر بگذارد (خط E در نمودار ۱) (لازیر و روزن^۱، ۱۹۸۱)، با افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، افراد ثروتمند بخش بیشتری از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند (کالدور^۲، ۱۹۵۷)؛ و این پس‌اندازها به ویژه در کشورهای فقیر، حداقل مورد نیاز برای شروع کسب و کار و تحصیل خوب را حتی برای تعداد محدودی فراهم می‌کند (باررو^۳، ۲۰۰۰).

1 - Lazear and Rosen

2 - Kaldor

3 - Barro

نمودار (۲) - رابطه ی بین نابرابری و رشد



منبع: برگ و همکاران (۲۰۱۴)

اما از طرفی نابرابری ممکن است برای رشد مضر باشد زیرا توانایی سالم ماندن و انباشت سرمایه انسانی را کاهش می دهد. (پروتی^۲، ۱۹۹۶؛ گالور و موآو^۳، ۲۰۰۴؛ آگیون، کارولی، و

1- Berg

2- Perotti

3- Galor and Moav

گارسیا-پنالوسا،^۱ (۱۹۹۹)؛ نابرابری درآمدی با ایجاد بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، سرمایه گذاری را کاهش می دهد (آلسینا و پروتی^۲، ۱۹۹۶)؛ و مانع اراده اجتماعی لازم برای سازگاری با شوک ها و حفظ رشد می شود (رودریک^۳، ۱۹۹۹)، رابطه بین نابرابری و رشد ممکن است غیرخطی باشد، همانطور که در مدل نظری بن حیب^۴ (۲۰۰۳)، که در آن افزایش نابرابری در سطوح پایین انگیزه های افزایش رشد را فراهم و ایجاد می کند در حالی که که با گذر از برخی مقادیر، رانت جویی و کاهش رشد را نتیجه می دهد. در رابطه بین نابرابری بازار و توزیع مجدد (خط A در نمودار ۲)، کانال اصلی معرفی شده در مطالعه ملتزر و ریچارد^۵ (۱۹۸۱) مورد تاکید است، که معتقدند نابرابری بیشتر فشارهایی برای توزیع مجدد ایجاد می کند. این دیدگاه معتقد است که حداقل در نظام های مبتنی بر دموکراسی، قدرت سیاسی در مقایسه با قدرت اقتصادی بیشتر توزیع شده است، به طوری که اکثریت رای دهندگان از قدرت و انگیزه لازم برای رای دادن به توزیع مجدد برخوردار خواهند بود. با این حال، همانطور که بنابو^۶ (۲۰۰۰) اشاره کرد و استیگلیتز^۷ (۲۰۱۲) تاکید کرد، اگر ثروتمندان نفوذ سیاسی بیشتری نسبت به فقرا داشته باشند، توزیع مجدد مورد توجه نخواهد بود.

ادبیات سیاستگذاری بر تأثیر مستقیم (خط D در نمودار ۲) متمرکز شده است و فرض میکند که توزیع مجدد به رشد آسیب می رساند (اوکان^۸، ۱۹۷۵)، زیرا مالیات ها و یارانه های بالاتر انگیزه های کار و سرمایه گذاری را کاهش می دهد. زیان ها احتمالاً تابع افزایشی از نرخ یارانه مالیات ها هستند به طوری که ضررهای ناشی از توزیع مجدد با افزایش نرخ مالیات کم به شدت افزایش افزایش می یابد (به عنوان مثال، باررو^۹، ۱۹۹۰؛ جایموویچ و ربلو^۱، ۲۰۱۲). از

1- Aghion, Caroli, and Garcia-Penalosa

2- Alesina and Perotti

3 - Rodrik

4- Benhabib

5 - Meltzer and Richard

6- Benhabib

7- Stiglitz

8 - Okun

9 - Barro,

طرفی، توزیع مجدد همچنین می تواند از طریق وضع مالیات های فزاینده برای تامین مالی سرمایه گذاری های عمومی، افزایش هزینه بیمه های اجتماعی برای افراد فقیر و ریسک پذیر (بنابو،^۲ ۲۰۰۰) و افزایش هزینه های بهداشت و آموزش عالی برای فقرا، شکست بازار کار و سرمایه را جبران کند (سانی و همکاران^۳ ۱۹۹۳، ۱۹۹۷). در چنین مواردی، سیاست های توزیع مجدد می تواند برابری و رشد را افزایش دهد. ادبیات این حوزه عموماً اثرات کلی توزیع مجدد، هم اثرات مستقیم (خط D نمودار ۲) و هم از طریق نابرابری (خط C و D) را نادیده گرفته است، زیرا تعداد کمی از مطالعات به نابرابری و توزیع مجدد به طور همزمان نگاه می کنند. شواهد آماری به طور کلی این دیدگاه را تأیید می کند که نابرابری حداقل در میان مدت به رشد آسیب می زند. محققان میزان رشد را در دوره های طولانی بررسی کرده و دریافته اند که نابرابری با رشد کندتر و کم دوام تر ارتباط دارد. مطالعات معدودی (فوربس^۴، ۲۰۰۰؛ و بانرجی و دوفلو^۵، ۲۰۰۳) ارتباطات مبهم کوتاه مدت بین رشد و نابرابری را نتیجه گرفتند. (آقیو، کارولی و گارسیا -پنالوسا^۶ ۱۹۹۹؛ وهالتر، اوچسلین و زایمولر، ۲۰۱۰^۷).

مطالعات تجربی در مورد رابطه بین توزیع مجدد و رشد را می توان در دسته های مختلفی طبقه بندی کرد. مطالعاتی که مالیات یا هزینه های دولت را به عنوان شاخص های توزیع مجدد در نظر می گیرند، توزیع مجدد را برای رشد مضر می دانند. همچنین شواهد بسیار کمی وجود دارد که نشان می دهد افزایش نرخ مالیات رشد اقتصادی میان مدت و بلند مدت را کاهش می دهد. به طور کلی، بهبود نتیجه گیری های تانزی و زی^۹ (۱۹۹۷)، که رابطه بین رشد و مالیات کل و مالیات بر درآمد را منفی می داند، دشوار به نظر می رسد اما این رابطه قوی نیست و به تصریح

- 1- Jaimovich and Rebelo,
- 2- Benabou
- 3- Saint-Paul and Verdier
- 4- Forbes
- 5- Banerji and Duflu
- 6- Aghion
- 7- Garcia-Penalosa and Halter
- 8- Halter, Qechslin and Zweimuller
- 9- Tanzi and Zi

مدل حساس است، لندرت^۱ (۲۰۰۴) بیان می کند برخی از اجزای هزینه های عمومی که مجدداً توزیع می شوند- به عنوان مثال، هزینه های بهداشت و آموزش، یا زیرساخت هایی که از محل مالیات تامین مالی می شوند - هیچ گونه تأثیر نامطلوبی بر رشد ندارند. مجموعه این مطالب نشان می دهد که روابط متقابل پیچیده ای بین نابرابری و رشد اقتصادی وجود دارد.

(۴) - پیشینه تحقیق

رابرت براونینگ^۲ و عمر ماجد^۳ (۲۰۱۹) در مقاله تحت عنوان "نابرابری و فقر و رشد اقتصادی" برای کشورهای OECD در سال (۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافتند که وقتی هر دو نابرابری به فقر را در نظر می گیریم به نظر می رسد که مقدار منفی نابرابری در رشد در میان کشورهای دارای فقر بالا متمرکز است. اگرچه تاکنون تاریخ شاهد رشد اقتصادی قابل توجهی در جهان بوده است اما فقر و نابرابری همچنان در بسیاری از نقاط جهان بالا است یکی از بارزترین ویژگی های توسعه نیافته فقر و نابرابری درآمدی است. و ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود به بزرگترین هدف و دشوارترین وظیفه سیاستگذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می شود.

گراندر و شویرمایر^۴ (۲۰۱۸) از برآورد GMM برای بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر رشد کشورهای در سطوح مختلف توسعه استفاده می کنند. آنها به جای مشخص کردن فقر به عنوان یک کانال انتقال که با نابرابری در تعامل است و بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارد، نمونه خود را به گروه هایی از کشورها در سطوح مختلف توسعه تقسیم کردند. آنها آثار منفی نابرابری را برای کشورهای فقیر و با درآمد متوسط می یابند. آنها این را به زیرساخت های عمومی ضعیف و نقص بازار سرمایه نسبت می دهند. آنها هیچ تأثیری از نابرابری بر رشد کشورهای ثروتمند نمی یابند، بعلاوه، آنها دریافته اند که توزیع مجدد به طور کلی برای کشورهای فقیر و با درآمد

1 -Lindert

2- Robert Browning

3 - Omar Majed

4 - Gründler. and Scheuermeyer

متوسط مثبت است اما برای رشد اقتصادی در کشورهای ثروتمند مضر است. سینگانو^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود به عنوان " روند نابرابری درآمد و تاثیر آن بر رشد اقتصادی " در کشورهای OECD از بازه (۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰) با بررسی به روش رگرسیون های رشد برای درآمد اولیه ، تحصیلات و سرمایه گذاری می گوید با افزایش میزان برابری تأثیر منفی بر رشد اقتصادی می گزارد . مقاله وی در ادامه می یابد که نابرابری با سرمایه انسانی در تعامل است تا مانع رشد شود.

برگ^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه ای تحت عنوان " توزیع مجدد □ نابرابری و رشد " برای کشورهای OECD (۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲) با روش گشاور های GMM بررسی کردند که نابرابری □ پیشرفت در سلامت و تحصیلات را تضعیف می کند همچنین باعث بی ثباتی سیاسی و اقتصادی می شود و اجماع اجتماعی مورد نیاز برای تعدیل در برابر شوک های را کاهش می دهد □ بنابراین تمایل به سرعت و تداوم رشد را کاهش می دهد و به نظر می رسد برابری نسبت به توزیع مجدد باعث افزایش و تضعیف فشارهای ملزوم می شود . و بیان می کند که جوامع نابرابر بیشتر تمایل به توزیع بیشتر دارند .

کامینادا و گودسوار دوکاستر^۳ (۲۰۱۲) برای کشورهای OECD (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹) در مطالعه خود تحت عنوان " انتقال درآمدهای اجتماعی و فقر: تجزیه و تحلیل بین المللی برای کشورهای OECD " با روش دادهای تابلویی و پائولوس^۴ و دیگران در مطالعه ای تحت عنوان " تاثیر مالیاتها و مزایای توزیع درآمد در کشورهای اتحادیه اروپا بزرگ " (۲۰۰۹) به روش دادهای تاباویی نامتوازن انجام دادند ، همه فرض می کنند که سیاست های توزیع مجدد مالی ، با توجه به نابرابری بازار ، نابرابری خالص را کاهش می دهد. صندوق بین المللی پول (۲۰۱۴) اساساً در تحلیل توزیع مجدد مالی نیز همین فرض را دارد. با این حال ، توزیع مجدد به وضوح می تواند رفتارهایی را تحت تأثیر قرار دهد که ممکن است عرضه نیروی کار و دستمزد بازار را تغییر داده و در نتیجه نابرابری بازار را نیز تغییر دهد. شواهد کمی وجود دارد که می تواند راهنمای علائم

1 -Cingano

2 -Berg

3 - Caminada and Goudswaard ,Koster

4 -Paulus

و میزان اثرات باشد، به ویژه از آنجا که دو اثر به طور بالقوه غیرفعال وجود دارد. توزیع مجدد که از ثروتمندان دریافت می کند و به فقرا می دهد، احتمالاً نیروی کار ثروتمندان (که بیشتر مالیات می گیرند) و فقرا (تا حدی که از مزایای آزمایش شده ای برخوردارند که انگیزه های کار را کاهش می دهد) کاهش می دهد. این امر بر درآمد بازار چه تأثیری می گذارد، احتمالاً تا آنجا که هر دو گروه را در یک جهت تحت تأثیر قرار دهد، تقریباً جبران خواهد شد.

بارتز شارلوت^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه ای تحت عنوان "توزیع مجدد و بیمه در دولت آلمان" بیان می کند دولتهای رفاه هم بین افراد که نابرابری سالانه را کاهش می دهند و هم در طول چرخه عمر بیمه می کنند، در برابر خطرات درآمدی توزیع می کنند. اما مطالعات اندازه گیری توزیع مجدد اغلب فقط بر روی یک دوره یک ساله متمرکز است. با استفاده از داده های SOEP آلمان از ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۹ و ورورش، نابرابری طولانی مدت در یک دوره ۲۰ ساله محاسبه و سپس به یک جزء بین فردی و درون فردی تجزیه می شود. نتایج نشان می دهد که نابرابری سالانه بیشتر از نابرابری بلند مدت است، اما توزیع مجدد نیز سالانه بیشتر است. در بلند مدت، دولت رفاه آلمان به وضوح بیمه را بر توزیع مجدد اولویت می دهد. این امر در مراحل بعدی چرخه زندگی از طریق پرداخت حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی بیشتر نمایان می شود.

راتی رام^۲ (۲۰۰۷) با استفاده از داده های مقطعی ۶۱ کشور در حال توسعه، با روش اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) اثر رشد و برابری درآمد، بر فقر در این کشورها را بررسی نمود. سه نتیجه ی مهم که از این مطالعه حاصل شد، این بود که اولاً اینکه افزایش درآمد و ایجاد بهبود در برابری درآمدی نقش مثبت و معنی داری در کمتر شدن فقر دارد؛ ثانیاً کاهش فقر نسبت به برابری درآمدی، بیشتر از رشد اقتصادی به حاصل گردیده؛ و ثالثاً کاهش فقر نسبت به رشد اقتصادی از بسیاری مطالعات انجام شده در قبل کمتر بود.

کوریتا و کوروساکی^۳ (۲۰۰۷) در مطالعه ای که بر قسمت های مختلف دو کشور تایلند و فیلیپین، بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ به روش اقتصادسنجی داده های پانل انجام دادند، به نکات

1 - Bartels chariotte

2 - Ram

3 - Kurosaki and Kurita

قابل توجهی بدست آوردند. نتایج تخمین سیستمی آنها، که در برگیرنده سه معادله رشد اقتصادی، فقر و نابرابری درآمدی بود، بر نقش مثبت رشد اقتصادی و برابری درآمدی بر کاهش فقر اشاره دارد و تاکید میکند. آنها در نتیجه گیری خود به این مطلب نیز اشاره کرده اند که نابرابری درآمدی، میزان رشد اقتصادی دوره های بعدی در استان های مختلف این دو کشور را تحت تاثیر قرار داده است و وجود تفاوت هایی در نابرابری های درآمدی نواحی مختلف، متغیر توضیحی مناسبی برای وجود تفاوت رشد اقتصادی، میان این نواحی بوده است.

بری و سریکس^۱ (۲۰۰۶)، تحت عنوان "رشد اقتصادی جهان و توزیع درآمد در پایان قرن بیستم" تغییرات در رشد اقتصادی و توزیع درآمد در جهان را در انتهای قرن بیستم مورد بررسی قرار داد. این پژوهش، تخمینی از رشد اقتصادی جهان طی سالهای ۳۰۰۰-۱۹۷۰ و تغییرات در توزیع درآمد جهانی بین اشخاص در سالهای ۳۰۰۰-۱۹۲۰ را مشخص می سازد. نتایج بدست آمده از پژوهش نمایان گر این است که برخلاف اینکه نرخ رشد اقتصادی جهان طی سالهای ذکر شده کاهش یافته است، شاخص های توزیع درآمد بین اشخاص، بهبود متخصری داشته است. پانیزا^۲ (۲۰۰۲) تحقیقی تحت عنوان "بررسی نابرابری و رشد اقتصادی" بر اساس آمار اقتصاد ایالات متحده آمریکا بررسی کرده است. در این مطالعه برای مقایسه و ارزش یابی رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی در ۴۸ ایالت آمریکا از داده های پانل (data Panel) برای دوره ی زمانی ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ و همچنین از روش اقتصاد سنجی داده های پانل استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد رابطه ی مثبتی بین نابرابری و رشد اقتصادی وجود ندارد؛ و لذا رابطه ای بر وجود ارتباط بین دو متغیر ضریب جینی و سهم درآمدی قشرهای کم درآمد با رشد اقتصادی در این مطالعه پیدا نشد و این در حالی است که برخی از نتایج پژوهش دلیلی بر یک رابطه ی منفی بین نابرابری و رشد اقتصادی است.

حیدری و حسن زاده (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان "رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران" با استفاده از الگوی (رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم)، تأثیر نابرابری درآمدی بر تولید ناخالص داخلی سرانه ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۴۸ مورد بررسی قرار گرفته داده

1- Albert Berry & John Serieux

2 -Panizza

است و بیان می کنند ارتباط میان دو متغیر نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران غیرخطی بوده و به طور مشخص نمی توان تاثیر مثبت و منفی آنها را بر یکدیگر دانست و کشور ایران از امکانات طبیعی بسیاری برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع برخوردار است. از طرفی تأمین عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از طریق ایجاد تعادل در توزیع درآمد بین آحاد مردم مورد تأکید قانون اساسی میباشد. بنابراین ضروری است که راهبردهای توسعه کشور به مبنای رشد اقتصادی سریع و توزیع عادلانه درآمد پایهریزی شود و برنامه ریزی و سیاست گذاریها بر مبنای اهداف فوق صورت گیرد.

صابر نورایی و ارسلان بد (۱۳۹۴) در مطالعاتی به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی سالهای ۱۳۵۰-۱۳۹۳ با رویکرد اقتصادسنجی LSTAR پرداخته اند و برای این امر، جهت اندازهگیری توزیع درآمد، از شاخص ضریب جینی واز تغییرات تولید ناخالص داخلی ایران به عنوان شاخص اندازهگیری رشد اقتصادی و رویکرد نتایج این مطالعه استفاده میکند و ارتباط مستقیم و غیرخطی بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را در دوره مورد بررسی، در بخش خطی و غیرخطی مدل تأیید مینماید.

باقری (۱۳۹۴) در مقاله ی خود تحت عنوان "بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران" در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۹۰ اختصاص یافته است. برای این منظور در این پژوهش از روش خودرگرسیون برداری استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین الگو، وجود رابطه بین رشد اقتصادی و میزان نابرابری را تأیید میکند. نتایج بدست آمده نشان دادند که افزایش نرخ رشد اقتصادی سبب کاهش نابرابری در توزیع درآمد میشود و اشاره دارد که برای ایجاد فضای عادلانه در جامعه دولت باید هزینه هایی را متقبل شود تا از این طریق فرصتی برابر برای بیکاران ایجاد کند. هزینه هایی در امور خدمات اجتماعی، آموزش، بهداشت و ... تا به موجب این هزینه ها، نیروی انسانی جامعه به ویژه گروه کم درآمد را از لحاظ جسمی، فکری و روحی بهبود بخشد و در نهایت موجب گسترش تولید و توسعه میشود. در برخی مواقع هم رشد و برابری بر خلاف هم عمل میکنند که در این صورت انتخاب یکی از آنها، به موقعیت و اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بستگی دارد و نتایج بدست آمده نشان دادند که افزایش نرخ رشد اقتصادی سبب کاهش نابرابری در توزیع درآمد میشود

جلالی (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان "سنجش شاخصهای بازتوزیع درآمد در نظام مالیاتی کشور" در دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۳ با روش خودرگرسیون برداری استفاده شده است مورد ارزیابی و سنجش قرار خواهند گرفت مسأله عدالت در توزیع درآمدها از جمله مباحث کلیدی در هر جامعه ای است؛ چراکه این موضوع علاوه بر جنبه های اقتصادی، میتواند تبعات سیاسی و اجتماعی نیز داشته باشد. کاهش فاصله طبقاتی از وظایف اصلی دولتها در هر کشوری محسوب میشود. و نتیجه بدست آمده حاکی از این است که اثر توزیعی مالیات ها به رغم میزان نسبتا بالای شاخص بهبود گرا، بسیار ناچیز است؛ این در حالی است که یارانه های پرداختی به خانوارها در کاهش نابرابری توزیع درآمدها موثرتر بوده است.

ابونوری (۱۳۹۲) در مطالعه ای تحت عنوان "اثر شاخص های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد" در ایران طی دوره ی ۱۳۵۰-۱۳۷۵ با بررسی شدت و جهت عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در ایران، نتیجه گرفته که هر یک درصد افزایش در نسبت اشتغال، حدود ۳/۱ درصد از سطح نابرابری کاهش می یابد و یک درصد افزایش در بهره وری نیروی کار، حدود ۰/۵۷ درصد از سطح نابرابری اقتصادی کم کرده است. هزینه های دولتی برای هر خانوار، تورم و کل درآمدهای مالیاتی دریافتی از هر خانوار، با یک وقفه ی زمانی باعث تاثیر افزایشی بر سطح نابرابری بوده است.

مهرگان و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله خود "تحت عنوان رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران "اساس دادههای سری زمانی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۷ و آمار استنتاجی و روشهای اقتصادسنجی مورد مطالعه قرار گرفته است رابطه ی رشد اقتصادی و توزیع درآمد از موضوعات مهم اقتصادی است که توجه اقتصاددانان به ویژه اقتصاددانان توسعه را به خود جلب کرده و راجع به آن نظرهای گوناگون ابراز شده است. در اقتصاد ایران به دست آوردن ارتباط متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد، به دلیل اهمیتی که مبحث عدالت اجتماعی در مبانی ارزشی دارد و نیز حساسیتهای اجتماعی که در این زمینه وجود دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وجه تمایز مطالعه حاضر با سایر مطالعات پیش گفته در این است که از توزیع مجدد نسبی برای سنجش تاثیر نابرابری بر رشد اقتصادی استفاده می کند تا تصویر دقیق تری از نحوه اثرگذاری نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی ارائه نماید

(۵) - روش مطالعه

این تحقیق به لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی و از نوع تحلیلی و توصیفی می باشد در این پژوهش برای تحلیل اطلاعات با استفاده از تکنیک های اقتصادسنجی و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) برای قضاوت در رابطه با اثبات فرضیه های ارائه شد مورد آزمون قرار گرفته است. در این مطالعه اطلاعات مورد نیاز در خصوص مبانی نظری و پیشینه تحقیق با استفاده از مطالعات و منابع کتابخانه ای جمع آوری و داده های مورد استفاده در این تحقیق به صورت سری زمانی با تواتر سالیانه در فاصله زمانی ۹۶-۱۳۵۷ و با مراجعه به بانک جهانی (WDI) و پایگاه داده های نابرابری جهانی (SWID) استخراج شده است.

(۵) مدل و یافته ها

با توجه به تاثیر نابرابری درآمدی بر رشد اقتصادی که در بخش مبانی نظری اشاره شد، به پیروی از رابرت براونینگ و عمر ماجد (۲۰۱۹) مدل نهایی که مورد برآورد قرار میگیرد عبارت است از:

$$(3) \quad GDPPC_{i,t} = \beta_1 X_{i,t} + U_{i,t} + \mu_i$$

به طوری که $GDPPC_{i,t}$ رشد اقتصادی اندازه گیری شده بر حسب تولید ناخالص داخلی سرانه در زمان t می باشد .

ضرایب معادله و نشان دهنده میزان تاثیرگذاری تغییر هر واحد از متغیرهای مدل بر

رشد اقتصادی است $\beta_1, \beta_2, \beta_3$.

$U_{i,t}$ جز اختلال^۱ است و شامل تاثیرات مشاهده نشده اقتصادی است .

و همچنین بردار $X_{i,t}$ ^۲ شامل متغیرهای زیر می باشد :

$GDPPC_{i,t-1}$: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

$GINI_{i,t-1}$: ضریب جینی

$POP_{i,t-1}$: نرخ رشد جمعیت

$REDIS_{i,t-1}$: توزیع مجدد نسبی

1- Disruption

2- Explanatory variable

$INF_{i,t-1}$: نرخ تورم

$PINV_{i,t-1}$: قیمت سرمایه گذاری

پس از تفاضل گیری^۱ مرتبه اول از مدل خواهیم داشت .

$$(4) \quad \Delta GDPPC_{i,t} = \beta_1 GDPPC_{i,t-1} + \beta_1 X_{i,t} + U_{i,t}$$

نحوه محاسبه و استخراج متغیر ها و نیز معرفی آنها به اختصار در جدول ۲ شرح داده شده است

جدول (۲)- معرفی متغیر ها و منبع استخراج آن ها

نام متغیر	معرفی	منبع
GDP	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	بانک جهانی https://databank.worldbank.org/home.aspx
GINI	ضریب جینی	پایگاه دادهای نابرابری جهانی https://The Standardized World Income Inequality Database version5
INF	نرخ تورم	بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده/ بانک جهانی. https://databank.worldbank.org/home.aspx
POP	نرخ رشد جمعیت	بانک جهانی https://databank.worldbank.org/home.aspx
PINV	قیمت سرمایه گذاری	بانک جهانی https://databank.worldbank.org/home.aspx
REDIS	توزیع مجدد نسبی	اختلاف نابرابری بازار و نابرابری خالص (جینی) ، تقسیم بر نابرابری بازار ضرب در ۱۰۰ / پایگاه دادهای نابرابری https://The Standardized World Income Inequality Database version5

به منظور غلبه بر درونزایی و به دلیل وجود وقفه متغیر وابسته مدل مطالعه بر اساس تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته GMM برآورد می شود. در این پژوهش برای بررسی ایستایی متغیرهای پژوهش از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۲ (ADF) و فلیس و پرون^۳ استفاده شده که یافته های

1- Differentiation

2- Dickey Fuller

3- Philips-perron

آن ها در جدول ۳ گزارش شده است. در این آزمون ها فرضیه صفر وجود ریشه واحد در متغیر و نامانایی متغیر است.

جدول (۳) - نتایج آزمون مانایی

نام متغیر	احتمال / آزمون دیکی فولر	نتیجه / آزمون دیکی فولر	احتمال / آزمون فیلیس پرون	نتیجه / آزمون فیلیس پرون
GDP	0/0010	مانا	0/0015	مانا
GINI	0/0807	مانا	0/0541	مانا
INF	0/0123	مانا	0/0266	مانا
POP	0/0677	مانا	0/0633	مانا
PINV	0/0000	مانا	0/0000	مانا
REDIS	0/0027	مانا	0/0003	مانا

ماخذ: محاسبات تحقیق

در جدول ۴ نتایج برآورد تاثیر توزیع مجدد نسبی بر رشد اقتصادی کشور ایران ارائه شده است.

جدول (۴) - نتایج تخمین مدل

Variable	Coefficient	Std.Error	t-Statistic	Prob
$GDPPC(-1)$	0/528242	0/109039	4/844536	0/0000
<i>GINI</i>	0/002027	0/000424	4/785325	0/0000
<i>POP</i>	-0/022340	0/004561	- 4/898214	0000 .0
<i>REDIS</i>	- 0/010678	0/002941	- 3/630527	0/0010
<i>INF</i>	- 0/000804	0/000402	- 1/999677	0/0541
<i>PINV</i>	0/059279	0/027710	2/139280	0/0401
SARGEN			0/99202063	

ماخذ: محاسبات تحقیق

برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از این روش (GMM) برای برآورد مدل یکی از آزمون هایی که مطرح می باشد ، آماره سارگان و احتمال آن (۰ .۹۹۲) در مدل صحت اعتبار نتایج مدل را تایید می کند.

بر اساس یافته های تحقیق تاثیر رشد اقتصادی دوره قبل بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده به طوری که یک درصد افزایش در رشد اقتصادی دوره قبل رشد اقتصادی دوره قبل به شرط ثابت

بودن سایر متغیرها باعث ۰.۵۲ درصد افزایش در رشد اقتصادی می گردد .

تاثیر ضریب جینی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده به طوری که یک درصد افزایش در ضریب جینی به شرط ثابت بودن سایر متغیرها باعث ۰.۰۰۲۰ درصد افزایش در رشد اقتصادی می گردد. بنابراین افزایش نابرابری باعث افزایش رشد اقتصادی می شود. نشان دهنده ی این است که هر چه ضریب جینی بیشتر باشد توزیع ناعادلانه تر است و در نتیجه هرچه توزیع ناعادلانه تر باشد رشد اقتصادی بیشتر می شود و این نتیجه هم راستا با نتایج (صادقی وهمکاران ۱۳۸۷) است. ادبیات پژوهش در این مورد با معرفی فرضیه کوزنتس بیان می کند که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور ، نابرابری درآمد نخست افزایش پیدا میکند و پس از ثابت ماندن در سطح مشخصی کم کم کاهش می یابد. این الگو که به نام لوارون کوزنتس معروف شده است (دهقانی ۱۳۹۶) در بسیاری از پژوهش های صورت گرفته در این حوزه نیز مورد تایید قرار گرفته است (مهرگان وهمکاران، ۱۳۸۸). براساس نتیجه های این مطالعه ، گرچه در کوتاه مدت رابطه مثبت رشد اقتصادی با ضریب جینی با فرضیه کوزنتس همخوانی دارد ، اما در بلند مدت سازگار نیست . لازم به ذکر است بر اساس پژوهش و بررسی راتی رام (۱۹۸۸) که به بررسی فرضیه کوزنتس در کشورهای در حال توسعه اختصاص یافته است ، عدم تأیید فرضیه کوزنتس در کشورهای در حال توسعه ممکن است ناشی از ساختار متفاوت این کشورها و یا ناشی از اندازه گیری برخی از روش های در آمد سرانه باشد اکنون مورد تردید قرار گرفته است (باقی ۱۳۸۸) . نتیجه بررسی به عمل آمده با نتیجه ی یافته های پایان نامه بختیاری (۱۳۷۱) و ناجی میدانی (۱۳۷۶) همسو است و باتوجه به آنچه در این مطالعات بیان شده است ، عدم تأیید شدن فرضیه کوزنتس را می توان به دلیل وجود درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران دانست . چرا که اختصاص رشد اقتصادی به درآمدهای حاصل از نفت و گاز موجب شده تا فرایند توسعه و رشد بدون توجه به زمینه های نابرابری توزیع در آمد و پیامدهای آن شکل بگیرد .

تاثیر نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی منفی و معنا دار بوده به طوری که یک درصد افزایش در سهم رشد جمعیت به شرط ثابت بودن سایر متغیرها باعث ۰.۰۲ درصد کاهش در رشد اقتصادی می گردد است که نشان می دهد هر چقدر کشورها در مراحل اولیه توسعه یافتگی قرار

داشته باشند افزایش جمعیت در آن‌ها منجر به فقر بیشتر می‌شود. ولی در مراحل بالاتر توسعه یافتگی افزایش جمعیت، منجر به افزایش درآمد سرانه در آن کشورها و افزایش بیشتر رفاه اقتصادی و رشد اقتصادی می‌شود. در این کشورها تکنولوژی و سرمایه‌های فیزیکی و انسانی عامل مسلط در تولید بوده و به همین دلیل سرمایه‌گذاری بر روی نیروی کار و تربیت نیروی کار مجرب و کاردان مورد توجه است. این نتیجه همسو با نتیجه‌ی دارات و الیوسف (۱۹۹۹)^۱، آزاده محرابیان و نازیلا صدقی سیگارچی (۱۳۸۹)، د ریک برندر (۱۹۹۴)^۲، الن کلی (۱۹۹۵)^۳ است

همانطور که نتایج نشان می‌دهد تأثیر توزیع مجدد نسبی بر رشد اقتصادی منفی و معنا دار است. به طوری که یک درصد افزایش در توزیع مجدد نسبی به فرض ثابت بودن سایر متغیرها باعث ۰.۱ درصد کاهش در رشد اقتصادی ایران می‌شود. بنابراین توزیع مجدد نسبی هر چه نامناسب‌تر باشد به مراتب رشد اقتصادی بیشتر می‌شود و اگر توزیع در جامعه نابرابر باشد، قشرهای متوسط و پایین درآمدی که نسبت بالایی از جمعیت کشور را نیز تشکیل می‌دهند، سهم کمتری از درآمد را به خود اختصاص خواهند داد و این موضوع سبب نارضایتی قشر وسیعی از جمعیت خواهد شد. بنابراین نابرابری بالاتر درآمد معمولاً دلالت بر بی‌ثباتی بیشتر اجتماعی-سیاسی و بنابراین تعارض‌ها و تنش‌های وسیع‌تر خواهد داشت. با ایجاد و گسترش اعتراضات و شورشهای عمومی، اولاً بسیاری از استعدادها و امکانات جامعه از بین رفته و یا تعطیل می‌گردد و از طرفی این امر، امنیت و ثبات اجتماعی را که از پیش شرطهای لازم و ضروری سرمایه‌گذاری است، از بین می‌برد و موجب نااطمینانی هر چه بیشتر در حقوق مالکیت شده و تناقض بین ضریب جینی و توزیع مجدد نشان می‌دهد که اگر جنبه‌های عدالت مطرح نباشد توزیع ناعادلانه‌تر می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود ولی ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که جنبه‌های عدالت اهمیت دارد و جزء برنامه‌های دولت‌ها است دستیابی به رشد اقتصادی بر مبنای عدالت نیازمند توجه به توزیع مجدد نسبی است. به عبارت دیگر محاسبه توزیع

1- Al.Yousif.Y.K & Darrot.A.f.

2-Brander. A, James and Dowrick Steve

3 -Kelly, Allen and c. Schmidt, Robert M

درآمد بر اساس درآمدهای بازاری و درآمد قابل تصرف نتایج متناقضی را ارائه می کند. بر اساس یافته های مطالعه با استفاده از شاخص توزیع مجدد نسبی، رابطه ی غیر مستقیم رشد اقتصادی و نابرابری تایید می شود. از آنجا که مالیات ها به عنوان ابزاری برای بهبود وضعیت توزیع درآمد می باشند محاسبه ضریب چینی بر اساس درآمد پس از پرداخت های اجباری و مالیات ها می تواند امکان دسترسی به تصویر دقیق تری از توزیع درآمد جامعه و پیامدهای آن ایجاد کند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که برنامه ریزی برای توزیع عادلانه تر درآمد (پس از کسر مالیات ها) محرک رشد اقتصادی است. در حالی که بر اساس ضریب جینی متعارف، نابرابری درآمد منجر به افزایش رشد اقتصادی می شود این نتیجه همراستا با نتیجه مطالعه آلسینا و پروتی^۱ (۱۹۹۶) و بروینگک و ماجد (۲۰۱۹) است.

تاثیر نرخ تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنادار بوده به طوری که یک درصد افزایش در نرخ تورم به شرط ثابت بودن سایر متغیر ها باعث ۰.۰۰۰۸ درصد کاهش در رشد اقتصادی می گردد. از دیگر نتایج بدست آمده تاثیر منفی تورم بر رشد اقتصادی است. در ایران تورم یکی از ساز و کارهای باز توزیع درآمد خصوصاً از اقشار حقوق و دستمزد بگیر به صاحبان یا توزیع کنندگان کالاها و همچنین صاحبان داراییهای فیزیکی (مانند املاک و مستغلات) و نیز انتقال قدرت خرید از سپرده گذاران به وام گیرندگان شبکه بانکی بوده است (خان محمدی ۱۳۹۰). کاهش قدرت خرید صاحبان درآمد ثابت و نیز منتفع شدن برخی از اقشار همچون توزیع کنندگان کالا و رانت جوها از تبعات اقتصادی و اجتماعی شکاف اقتصادی است و بطور بالقوه دارای جنبه های منفی سیاسی و اجتماعی است. نرخ تورم بالا و پیش بینی نشده، اثرات قابل توجهی بر تصمیمات بنگاههای تولیدی و مالی می گذارد تحت شرایط تورمی، بسیاری از مدیران و عاملین اقتصادی بدنبال دستیابی به فرصتها، رانتها و امکانات سود آوری هستند که تورم ایجاد کرده و بدین لحاظ مدیریت در فرآیند تولید و توزیع، کارآیی اقتصادی و بالا بردن تدریجی بهره وری نیروی کار در اولویت قرار نمی گیرد. سود آوری سرمایه بخاطر وجود شرایط تورمی بر رفتار اقتصادی عاملین و نحوه تخصیص بین زمانی منابع اثرات نامطلوبی دارد. وجود انحصارات، مراکز نفوذ و قدرت همراه با شرایط تورمی، سود آوری فعالیتها و مشاغل غیر

مولد و فعالیتهای رانت طلبی را افزایش می دهد. بنابراین بجای تخصیص منابع به فعالیتهای اشتغال زا که می تواند نقش مهمی در توزیع درآمد ایفا کند (شیری ۱۳۸۸) منابع به سمت فعالیتهایی متمرکز می گردد که فقط سودهای کلانی را نصیب افراد خاص میکند و این خود عاملی است که باعث بدتر شدن توزیع درآمد می گردد. (نیلی و همکاران ۱۳۸۷) تورم بالا به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان مزد و حقوق بگیران، افزایش نااطمینانی و بی ثباتی در اقتصاد کلان و در نتیجه کوتاه تر شدن افق زمانی تصمیم گیری و کاهش سرمایه گذاری بلند مدت و عوامل دیگر اشاره نمود. نرخ تورم بالا و بانوسان زیاد موجب افزایش هزینه های مبادله و کاهش سرمایه گذاری در فعالیت ها تولیدی و در نتیجه، کاهش رشد اقتصادی میشود. پس با توجه به این که ضریب نرخ تورم منفی شده است، کاهش نرخ تورم موجبات افزایش رشد اقتصادی را فراهم می نماید. نتایج این بخش از مطالعه همسو با نتایج مطالعه صامتی و رفیعی (۲۰۱۰) و دادگر و همکاران (۱۳۸۵) است.

تأثیر قیمت سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی مثبت و معنا دار بوده به طوری که یک درصد افزایش در قیمت سرمایه گذاری به شرط ثابت بودن سایر متغیرها باعث ۰.۰۵ درصد افزایش در رشد اقتصادی می گردد. در واقع این متغیر زمینه تأثیر نرخ ارز از مسیر سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی را فراهم می کند. با افزایش نرخ ارز به دلیل افزایش تقاضا و صادرات، رشد اقتصادی و سرمایه گذاری افزایش می یابد. از سوی دیگر به دلیل وابستگی تولید به کالاهای سرمایه ای وارداتی در ایران، افزایش نرخ ارز بر سرمایه گذاری تأثیر منفی دارد. با توجه به تأثیر دوگانه نرخ ارز بر فرایند تشکیل سرمایه در ایران، یافته های این مطالعه نشان می دهد که تأثیر منفی نرخ ارز بر سرمایه گذاری غالب است. به طوری که با افزایش نرخ ارز، تشکیل سرمایه با لحاظ برابری قدرت خرید گران تر شده و بنابراین هزینه سرمایه گذاری افزایش یافته و منجر به کاهش رشد اقتصادی می شود. با توجه به کمبود منابع سرمایه گذاری و ضرورت تخصیص بهینه این منابع جهت تحریک رشد اقتصادی، لازم است مزایای نسبی یک کشور در زمینه تخصیص منابع سرمایه گذاری و تولید کالاهای سرمایه ای در داخل، به درستی شناسایی شده و با هدایت منابع سرمایه گذاری به مولدترین و کارآمدترین بخشها زمینه استفاده کارآمد از منابع محدود در جهت تسریع رشد اقتصادی فراهم گردد که این نتیجه در محمدی (۱۳۸۸) هم حاصل شده است.

نتیجه گیری

امروزه دولتها برای ایجاد تعادل اقتصادی وظایف گوناگونی به عهده می گیرند. بازارهای اقتصادی و قیمت ها را تعیین و کنترل می کنند اما آنچه از همه اینها در تعادل اقتصادی و تامین عدالت اجتماعی نقش ویژه ای دارد مالیات است. چراکه عامل اصلی توزیع نابرابر را نمی توان صرفاً ناشی از تفاوت در بازدهی نیروی کار در گروههای مختلف دانست، بلکه توزیع نابرابر درآمدها به دلیل توزیع نابرابر ثروتهای تولیدی است (سالم و عرب یارمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). با توجه به این که ضریب جینی بر اساس درآمدهای بازاری محاسبه می شود تاثیر مالیات که در تامین اجتماعی نقش اساسی دارد در نظر گرفته نمی شود. این نقیصه با شاخص توزیع مجدد نسبی که مبتنی بر ضریب جینی پس از کسر مالیات (درآمد قابل تصرف) است برطرف می شود. مطالعه حاضر به بررسی تاثیر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی با داده های سالیانه در بازه زمانی ۱۳۵۷-۹۶ در ایران با بهره گیری از تکنیک گشتاورهای تعمیم یافته می پردازد. یافته های مطالعه نشان میدهد که تاثیر توزیع درآمد مبتنی بر درآمد بازاری و درآمد قابل تصرف متفاوت است. نتیجه این مطالعه اهمیت مالیات ها در توزیع درآمد برای تحریک رشد اقتصادی را تایید میکند. بنابراین می توان گفت با توجه به ساختار اقتصاد ایران و وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت، اگرچه رشد اقتصادی ایجاد شده است ولیکن توزیع درآمد نتوانسته است نسبت مناسبی با رشد اقتصادی برقرار نماید. این نتیجه منبث از عدم وجود رشد اقتصادی پایدار و درونزاست. برای برخورداری از آثار مثبت توزیع عادلانه درآمد بر رشد اقتصادی لازم است اقتصاد کشور با تقویت منابع ایجاد رشد اقتصادی و استمرار در آن زمینه ایجاد ارتباط متناظر بین رشد اقتصادی و توزیع عادلانه را فراهم نماید. اگرچه بررسی تاریخی کشورهای پیشرفته امروزی نشان می دهد که در مراحل اولیه رشد و توسعه اقتصادی، این کشورها از توزیع نابرابر درآمد برای تحریک رشد اقتصادی بهره جسته اند. اما در دوره حاضر به توجه به افزایش آگاهی مردم، شکل گیری نهادهای مدنی و اجتماعی لازم است برنامه مدونی برای ایجاد رابط بین رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد در نظر گرفت. با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل بهبود توزیع مجدد درآمدها منجر به رشد اقتصادی می گردد. مقایسه نتایج نشان می دهد که توزیع مجدد درآمد بر اساس ضریب جینی تاثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و توزیع نابرابر را محرک رشد اقتصادی می داند. در حالی که توزیع مجدد نسبی تاثیر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. بر

این اساس و نامطلوب تر شدن وضعیت توزیع مجدد درآمد موجب کند شدن رشد اقتصادی می شود. همچنین میزان تاثیرگذاری توزیع مجدد نسبی بر رشد اقتصادی بیش از میزان تاثیرگذاری ضریب جینی است.

منابع

- احمدوند، رضا (۱۳۹۶)، **پایان نامه ی** کارشناسی ارشد دانشگاه مفید
- باقری، فروزان (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، **کنفرانس بین المللی مهندسی و علوم کاربردی**، سال ۱۳۹۴، دوره ۱ صفحه ۵۸-۹۰
- بختیاری، معصوم (۱۳۷۱)، **بررسی امکان سنجی آزمون فرضیه تضاد بین رشد و توزیع متعادل درآمد مورد پژوهشی ایران** (۱۳۶۸-۱۳۴۷)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی
- مهدی (۱۳۸۸)، **پایان نامه ی کارشناسی ارشد**، دانشگاه مفید
- تقوی مهدی، محمدی حسین (۱۳۸۸)، تاثیر زیر ساخت های سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی ایران، **فصلنامه پژوهش های اقتصادی**، دوره ۹، شماره ۳۲، بهار ۱۳۸۸، صفحه ۱۵-۴۲
- جلالی □ محسن (۱۳۹۳) □ **سنجش شاخصهای بازتوزیع درآمد در نظام مالیاتی کشور، فصلنامه روند**، سال بیست و یکم، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ۱۰۱-۱۲۲
- جلالی، سفند آبادی عبدالمجید، قاسمی نژاد امین، رستمی، همار، فرخنده، سلیمانی (۱۳۹۱)، بررسی و پیش بینی توزیع درآمد مناطق شهری و روستایی ایران در افق ۱۴۰۴، **راهبرد اقتصادی** سال اول پاییز ۱۳۹۱ شماره ۲
- حیدری □ حسن و حسین زاده □ اکبر (۱۳۹۵) □ **رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران**
- **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال شانزدهم، زمستان ۹۵ □ شماره ۶ □ سال ۱۳۹۵
- دادگر یداله، کشاورز حداد غلامرضا، تیاترج علی (۱۳۸۵)، تبیین رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران، **نشریه جستار های اقتصادی** بهار و تابستان ۱۳۸۵، دوره ۳، شماره ۵، صفحه ۵۹-۸۸
- خانمحمدی، وحید (۱۳۹۰)، **پایان نامه ی کارشناسی ارشد**، دانشگاه مفید
- دامن کشیده، مرجان، سید شکری، خشایار، رضا زاده قربانی زاده، مریم (۱۳۹۵) **تاثیر سیاست های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران**، **کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت اقتصاد، و حسابداری**، سال ۱۳۹۵، دوره ۴

- صابرنوری، مهران، ارسلان بد، محمد رضا، (۱۳۹۴)، رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، **سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و حسابداری**، سال ۱۳۹۴، شماره ۱۴
- دهقانی علی، حسینی سید محمد حسین، محمد فتاحی، صمد حکتی فرید، (۱۳۹۶) بررسی رابطه ی بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰، رهیافت رگرسیون غیر خطی انتقال ملایم، **مطالعات اقتصادی کاربردی ایران**، بهار ۱۳۹۶، شماره ۲۱، علمی پژوهشی، صفحه ی ۲۴ از ۲۳۶ تا ۲۱۳
- شیخ لی (۱۳۹۳) **پایان نامه ی کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران
- شیرینی جیان، منوچهر (۱۳۸۸). **پایان نامه ی کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
- محرابیان آزاده، صدقی سیگارچی نازیلا (۱۳۸۹)، تاثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی در کشورهای چهار گروه درآمدی، **نشریه اقتصاد مالی (اقتصاد مالی توسعه)**، زمستان ۱۳۸۹، دور ۵، شماره ۱۳؛ از صفحه ۹۷ تا صفحه ۱۱۴
- مهرگان، نادر؛ موسایی، میثم و حکمت رضا کیهانی (۱۳۸۷) رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران. **فصلنامه ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲
- مهرآبادی، مرضیه ۱۳۹۵ پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- محمدی، مهدی، **روزنامه اقتصاد**، شماره ۱۹۸۶، سال ۱۳۸۸، شماره خیر ۱۷۹-۵۹۰
- ناجی میدانی، علی اکبر (۱۳۷۴)، **بررسی آثار متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- نادر، مهرگان، حسین، اصغر پور، رویا، صمدی، محسن، پور عبدالهان، (۱۳۸۸)، رابطه حداقل دستمزد با توزیع درآمد در ایران **مجله رفاه اجتماعی**، تابستان ۱۳۸۸، دوره ۹، شماره ۳۳، صفحات ۶۴-۴۵
- نیلی، مسعود و فرح بخش، علی، (۱۳۸۷)، ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۳۴ و ۳۵، صفحات ۱۲۱-۱۵۴
- یارمحمدی جواد، سالم علی اصغر (۱۳۹۰)، بررسی رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران تابستان ۱۳۹۰، **نشریه روند (روند پژوهش های اقتصادی)**، دوره ۱۹، شماره ۵۸، از صفحه ۱۲۷ تا صفحه ۱۵۱

- Al.Yousif.Y.K.,Darrot.A.F. (1999). The Long Run Relationship between population and Economic Growth :Some Time Series Evidence for Developing Countries. Holy Cross Web Directory. **Eastern Economic Journal**, 1999, vol. 25, issue 3, 301-313
- Alesina, A. & Pertti, R. (1996). Income Distribution, Political Instability, and Investment, **Economic Review European**, Vol, 40, PP. 1203-1228.
- Aghion, P., E. Caroli, and C. Garcia-Penalosa, 1999, "Inequality and Economic Growth: The Perspective of the New Growth Theories," **Journal of Economic Literature**, Vol. 37(4), pp. 1615–60.
- BARTELS, C (2011) ,REDISTRIBUTION AND INSURANCE IN THE GERMAN WELFARE STATE JOURNAL OF ECONOMIC SOEPPAPER NO. 419-201136 PAGES POSTED: 21 DEC 2011 LAST REVISED: 11 JUL 2014
- Berg, A., Ostry, J. D., Tsangarides, C. G. and Yakhshilikov, Y. (2018). Redistribution, inequality, and growth: new evidence, **Journal of Economic Growth**(23): 259–305.
- Berry, A. and Serieux, J. (2006). "Reading the Elephants: The Evolution of world Economic Growth and Income distribution at the End of the twentieth Century (1980–2000). **Department of Economic and Social Affairs**
- Brander. A, James and Dowrick Steve. (1994). "The role of fertility and population in economic growth emprical results from aggregate cross national data". **Journal of population economics**. Springer-verlag.
- Breunig, R., Majeed, O. (2019), Inequality, poverty and economic growth, **International Economics** □ □ Vol, 161, May 2020, pp. 83-99.
- Banerjee, A.V., and E. Duflo, 2003, "Inequality and Growth: What Can the Data Say?" **Journal of Economic Growth**, Vol. 8(3), pp. 267–99.
- Barro, R.J., 1990, "Government Spending in a Simple Model of Endogeneous Growth," **Journal of Political Economy**, Vol. 98(5), pp. 103–25.
- Benabou, R., 2000, "Unequal Societies: Income Distribution and the Social Contract," **American Economic Review**, Vol. 90(1), pp. 96–129.
- Benhabib, J., 2003, "The Tradeoff Between Inequality and Growth," **Annals of Economics and Finance**, Vol. 4(2), pp. 491–507.
- Caminada, K., K. Goudswaard, and F. Koster, 2012, "Social Income Transfers and Poverty: A Cross-Country Analysis for OECD Countries, **International Journal of Social Welfare**, Vol. 21(2), pp. 115–26.

- Causa, O. and M. Hermansen, 2017, "INCOME REDISTRIBUTION THROUGH TAXES AND TRANSFERS ACROSS OECD COUNTRIES" **European Journal of Population**, ECO/WKP(2017)
- Cingano, F. (2014). Trends in income inequality and its impact on economic growth. **OECD Social, Employment and Migration Working Papers**, No. 163, OECD Publishing.
- Forbes, K.J., 2000, "A Reassessment of the Relationship between Inequality and Growth," **American Economic Review**, Vol. 90(4), pp. 869–87.
- Galor, O., and O. Moav, 2004, "From Physical to Human Capital Accumulation: Inequality and the Process of Development," **Review of Economic Studies**, Vol. 71(4), pp. 1001–26.
- Gründler, K. and Scheuermeyer, P. (2018). Growth effects of inequality and redistribution: What are the transmission channels?, **Journal of Macroeconomics** 55: 293–313
- Jaimovich, N., and S. Rebelo, 2012, "Non-Linear Effects of Taxation on Growth," NBER Working Paper No. 18473 (Cambridge, Mass.: **National Bureau of Economic Research**).
- Kaldor, N., 1957, "A Model of Economic Growth," **The Economic Journal**, Vol. 67(268), pp. 591–624.
- Kelly, Allen and c. Schmidt, Robert M. (1995). "Aggregate Population And Economic Growth Population". **The Role of the Components of Demographic Change** 1995.
- KURITA, K. AND KUROSAKI, T. (2007), THE DYNAMICS OF GROWTH, POVERTY AND INEQUALITY: A PANEL ANALYSIS OF REGIONAL DATA FROM THE PHILIPPINES AND THAILAND, INSTITUTE OF ECONOMIC RESEARCH, TOKYO HITOTSUBASHI UNIVERSITY, PAPER SERIES, NO 223.
- LINDERT.PETER(2014),MAKING THE MOST OF CAPITAL IN 21ST CENTURY , NATIONAL BUREAU OF ECONOMIC RESEARCH,NBER WORKING PAPER NO20232.
- Lazear, E.P., and S. Rosen, 1981, "Rank-Order Tournaments as Optimum Labor Contracts," **Journal of Political Economy**, Vol. 89(5), pp. 841–64.
- Okun, A.M., 1975, **Equality and Efficiency: the Big Trade-Off** (Washington: Brookings Institution Press).
- Panizza, Ugo, (2002). "Income inequality and economic growth: evidence from American data", **journal of Economic Growth**, 7, P. 25-41.
- Perotti, R., 1996, "Growth, Income Distribution, and Democracy: What the Data Say," **Journal of Economic Growth**, Vol. 1(2), pp. 149–87.

- Paulus, A., M. Čok, F. Figari, P. Hegedüs, N. Kump, O. Lelkes, H. Levy, C. Lietz, S. Lüpsik, D. Mantovani, L. Morawski, H. Sutherland, P. Szivos, and A. Vörk, 2009, “The Effects of Taxes and Benefits on Income Distribution in the Enlarged EU,” in *An Enlarged Role for Tax Benefit Models: assessing policies in the enlarged European Union*, ed. by O. Lelkes and H. Sutherland (Farnham, U.K.: Ashgate). **INTERNATIONAL MONETARY FUND**
- Ram, R. (1988). *Economic Development and Income Inequality: Further Evidence on the U Curve Hypothesis*, **World Development Cambridge Journal of Economics**, Vol. 16, No. 11.
- Ram, R., (2007), *Roles of Income and Equality in Poverty Reduction: Recent Cross-Country Evidence*, **Journal of International Development**, 19, 919-926.
- Rodrik, D., 1999, “Where Did All the Growth Go? External Shocks, Social Conflict, and Growth Collapses,” **Journal of Economic Growth**, Vol. 4(4), pp. 385–412.
- Richard H. and Adams, Jr. (2003). “Economic growth, Inequality and poverty: Findings From a new data set”, policy Research working paper Series, International Monetary Fund., **world development**, Volume 32, Issue 12, December 2004, Pages 1989-2014
- Sameti. Majid . Rafie Leila(2010) , *Interaction of Income Distribution, Taxes and Economic Growth (The Case of Iran and Some Selected East Asian Countries)* , **Iranian Economic Review**, Vol.14, No.25, winter 2010.
- Saint-Paul, G., and T. Verdier, 1993, “Education, Democracy and Growth,” **Journal of Development Economics**, Vol. 42(2), pp. 399–407.
- Stiglitz, J., 2012, **The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future**, W. W. Norton & Company.
- Tanzi, V., and H. Zee, 1997, “Fiscal Policy and Long-Run Growth,” **IMF(INTERNATIONAL MONETARY FUND) Staff Papers**, Vol. 44(2), pp. 179–209.